

ارزیابی مطلوبیت و نقش اکوسیستم کار آفرینی روستایی در استان آذربایجان غربی

علی غلامی* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
فاطمه محمدزاده لاریجانی - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۹

وصول: ۱۳۹۶/۰۱/۲۶

چکیده

بررسی محیط کار آفرینی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های کار آفرینانه به دلیل تعیین‌کنندگی کار آفرینی در موفقیت اقتصادی یک کشور و شکل دادن به توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو ملی، امروزه از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، هدف پژوهش حاضر، بررسی وضعیت عملکرد اکوسیستم کار آفرینی روستایی در گام نخست و مشخص کردن نقش هریک از زیرسیستم‌های اکوسیستم کار آفرینی در بروز شرایط موجود در گام دوم است. جمع‌آوری اطلاعات، به روش کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی (پرسشنامه و مشاهده) است و از آنجا که برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه دیدبان جهانی کار آفرینی استفاده شده است؛ لذا جامعه آماری پژوهش، شامل خبرگان محلی (اعضای شوراهای اسلامی روستاها و دهیاران) است که در مجموع ۳۱۰۸ نفر را شامل می‌شوند که با استفاده از روش کوکران تعداد ۳۴۱ نفر به عنوان نمونه با نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده انتخاب شده‌اند. در گام نخست برای تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها از آزمون آماری t تک‌نمونه‌ای در محیط نرم‌افزار اس.پی.اس.اس. استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از میان ۱۲ زیرسیستم مورد بررسی، تنها دو زیرسیستم «متعادل بودن قوانین و مقررات» و «آموزش کار آفرینی در دانشگاه‌ها» با ۹۵٪ اطمینان، نسبت به الگوی ملی دارای شرایط مطلوب هستند؛ اما در مقایسه با الگوی جهانی، هیچ‌یک از زیرسیستم‌ها، عملکرد مطلوبی ندارند. در گام دوم، با استفاده از روش تحلیل عاملی در محیط نرم‌افزار لیزرل نقش هریک از زیرسیستم‌ها در بروز شرایط موجود مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که زیراکوسیستم‌های «زیرساخت‌های تجاری و قانونی» و «برنامه‌های دولت برای کار آفرینی» به ترتیب با ۹۱ و ۷۵٪، بیشترین و زیراکوسیستم «هنجارهای اجتماعی» با ۴۳٪ کمترین تأثیر را در عملکرد نامطلوب اکوسیستم کار آفرینی روستایی منطقه دارد.

واژگان کلیدی: دیدبان جهانی کار آفرینی، اکوسیستم کار آفرینی، کار آفرینی روستایی، استان آذربایجان غربی.

مقدمه

در عصر حاضر، کارآفرینی عاملی تعیین‌کننده در موفقیت اقتصادی یک کشور و شکل دادن به توزیع فضایی فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو ملی (فاجیو و سیلوا^۱، ۲۰۱۴) به شمار می‌رود. با وجود درک این موضوع از سوی سیاستمداران، اقتصاددانان و پژوهشگران، در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه (رویبونون و استبان-لیورت^۲، ۲۰۱۶)، تخصیص منابع و توجه کافی به کارآفرینی، گرفتار دیدگاه‌های بخشی به جای دیدگاه سیستمیک بود. با ناکارآمدی سیاست‌های بخشی در توسعه کارآفرینی، نیاز به وجود یک رویکرد اکوسیستمیک با روابط درهم تنیده‌ای از عناصر آن احساس شد (نادکراکویچ^۳، ۲۰۱۳)؛ بنابراین، پارادایم اکوسیستم کارآفرینی به عنوان مبنایی برای طراحی سیاست‌های کارآفرینی به‌ویژه برای کسب و کارهای جدید فناوری‌مدار ظهور یافت (قمبرعلی و همکاران، ۱۳۹۳). بحث اکوسیستم در کارآفرینی که توسط جیمز مور^۴ در سال ۱۹۹۰ ابداع شد (ماسون و براون^۵، ۲۰۱۴، الف و ب)، مورد استقبال اندیشمندان این حوزه قرار گرفت. چراکه محیط و روابط به طور قطع در موفقیت کسب و کارهای جدید بسیار مهم هستند. مفهوم اکوسیستم کارآفرینی، به عناصر - افراد، سازمان‌ها یا مؤسسات - خارج از فرد کارآفرین اشاره دارد که محرک یا مانع تصمیم فرد برای کارآفرین شدن یا احتمال موفقیت او در صورت راه‌اندازی کسب و کار کارآفرینانه است (آیزنبرگ^۶، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۰). همچنین اکوسیستم کارآفرینی از سوی دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی مورد استفاده قرار گرفت که طی چندین مطالعه، اهمیت آن برای موفقیت پروژه‌های کسب و کارهای جدید نیز مشخص گردید (فرناندز^۷ و همکاران، ۲۰۱۵).

اهمیت بررسی محیط کارآفرینی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه، نهادها و مؤسسات بین‌المللی را نیز درگیر موضوع کرد. از جمله این نهادها و مؤسسات، دیدبان جهانی کارآفرینی است. دیدبان جهانی کارآفرینی^۸، یک کنسرسیوم دانشگاهی متشکل از گروه‌های علمی - پژوهشی است که هدف اصلی آن ارزیابی و ارائه داده‌های پژوهشی معتبر در سطح بین‌المللی در خصوص فعالیت‌های کارآفرینانه کشورهای است (آقاجانی و خلیلی اسبویی، ۱۳۹۱). برای این منظور، این مؤسسه، مدلی ارائه کرده است که شرایط محیط ملی که بر توسعه فعالیت‌های کارآفرینی به طور کلی و شرایط تسهیل‌کننده نوآوری و کارآفرینی در جامعه تأثیرگذارند را نشان می‌دهد (دفتر دیدبان جهانی کارآفرینی ایران، ۱۳۹۳). این مدل، دارای ۹ عنصر اصلی «پشتوانه مالی، سیاست‌های دولت، برنامه‌های دولت، آموزش کارآفرینی، انتقال تحقیق و توسعه، زیرساخت تجاری و قانونی، قوانین ورود، زیرساخت‌های فیزیکی و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی» است که از طریق ۵۲ گویه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (بوسما^۹ و همکاران، ۲۰۱۲). هرچند مدل مذکور برای بررسی محیط کارآفرینی در سطح ملی طراحی شده است؛ اما با توجه ماهیت عملکرد منطقه‌ای اکوسیستم کارآفرینی و ماهیت کارآفرینی روستایی که این نوع از کارآفرینی هیچ تفاوتی با مفهوم عام کارآفرینی ندارد (بلکه اختلاف تنها در شیوه اجرای کارآفرینی روستایی با مناطق شهری است) و همچنین شرایط خاص مناطق روستایی مانند بالا بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷) و از سوی دیگر، با توجه به این موضوع که امروزه بسیاری از نواحی روستایی در سطح جهانی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در حال تجربه مشکلات ناشی از رکود، ایستایی و

1- Faggio & Silva

2- Rubio- Bañón & Esteban-Lloret

3- Nadgrodkiewicz

4- James Moore

5- Mason & Brown

6- Isenberg

7- Fernandez

8- Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

9- Bosma

کساد اقتصادی هستند (هایلینگ و گرهارد^۱، ۲۰۰۲)، بررسی عملکرد منطقه‌ای اکوسیستم کارآفرینی روستایی برای برنامه‌ریزی و رفع مشکلات آن را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

هرچند بیشتر مطالعات انجام‌شده در حوزه کارآفرینی به‌ویژه در ایران، ابعاد محیطی تأثیرگذار در ایجاد و توسعه کارآفرینی را فراموش کرده و یا با رویکردی بخشی به مسئله پرداخته‌اند؛ با این حال، در برخی از مطالعات از دیدگاه سیستمیک برای بررسی آن استفاده شده است. بررسی این مطالعات نشان می‌دهد که اکوسیستم کارآفرینی با توجه به ماهیت آن، نتیجه تعامل میان مردم، نقش‌ها، سازمان‌ها، زیرساخت‌ها و رخدادهایی است که محیطی مناسب برای بالا بردن سطوح فعالیت‌های کارآفرینانه ایجاد می‌کنند، این اکوسیستم، از مؤلفه‌هایی مانند دسترسی به سرمایه، آموزش کارآفرینی، وجود برنامه‌های کارآفرینی دولت‌مدار، تحقیق و توسعه، سیاست‌ها و زیرساخت‌های تجاری و قانونی و سهولت قوانین ورود به کار تشکیل شده و از طریق حمایت اخلاقی، مالی، تکنولوژی، بازار، اجتماعی، شبکه‌ها، دولت و حمایت محیطی در ایجاد و توسعه کارآفرینی نقش دارند (رگل و نک^۲، ۲۰۱۲؛ سروش و رامراج^۳، ۲۰۱۲). در همین راستا و در ارتباط با نقش زمینه‌سازها در اکوسیستم کارآفرینی، همکاری میان بخش خصوصی، دولتی و دانشگاه‌ها که مثلث طلایی بسترسازی کارآفرینی به حساب می‌آیند، دارای اهمیت فراوانی است. این بازیگران با ارائه خدمات نوآورانه با توجه به مالکیت، اندازه و مشارکت در رشد کسب و کارها، زمینه را برای پویایی محیط کارآفرینانه فراهم می‌نمایند (فرناندز و همکاران، ۲۰۱۵). آنها از طریق نقش‌آفرینی در حوزه‌های یادشده، اولین نتیجه خود را در ایجاد و جهت‌دهی نیات کارآفرینانه منعکس می‌نمایند؛ به عبارت دیگر، نیات کارآفرینانه افراد، تحت تأثیر ابعاد مختلفی از محیط اجتماعی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که زمینه‌سازهای کارآفرینی و محیط اجتماعی آنها بر هم تأثیر متقابل تقویت‌کننده دارند که در میان این بازیگران نیز، دولت، کلیدی‌ترین عنصر به شمار می‌رود (شیلو^۴ و همکاران، ۲۰۱۶).

تأکید بر نقش دولت در اکوسیستم کارآفرینی که در بسیاری از مطالعات این حوزه نیز به چشم می‌خورد را می‌توان در زمینه‌هایی مانند تدوین سند ملی توسعه کارآفرینی که مهم‌ترین عامل در توسعه کارآفرینی است و همچنین ایجاد مراکز کارآفرینی و خدمات مشاوره‌ای، اصلاح قوانین و مقررات اداری - بانکی، ایجاد و تقویت پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد، ایجاد دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های کارآفرینی، حمایت‌های مالی و مالیاتی سازمان‌یافته، کاهش الزامات و مراحل اداری - بانکی و ثبت شرکت‌ها و ایجاد شبکه‌های حامی کارآفرینی خلاصه کرد (کردنائیج و همکاران، ۱۳۹۲؛ فلینگر^۵ و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین دانشگاه‌ها که دیگر عنصر کلیدی در بسترسازی فعالیت‌های کارآفرینانه به شمار می‌روند تا حدود زیادی به‌ویژه در زمینه آموزش کارآفرینی به عملکردهای دولت وابسته هستند؛ در این زمینه، دانشگاه‌ها از طریق همکاری با دولت و در وابستگی به اقدامات دولتی، با تدوین سند ملی آموزش کارآفرینی، ارائه الگوی استاندارد آموزش کارآفرینی و ارائه تسهیلات حمایتی و مالی از کارآفرینان نقش‌آفرینی می‌کنند (الوانی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ بنابراین، دولت نقش حمایتی و کلیدی را در ساختار اکوسیستم کارآفرینی دانش‌بنیان نیز بازی می‌کند و کلید ایجاد و آغاز ساختار اکوسیستم کارآفرینی دانش‌بنیان (به‌ویژه در ایران) در دست دولت است (انتظاری، ۲۰۱۵). با این وجود، بررسی تطبیقی وضعیت آموزش کارآفرینی در ایران و سایر کشورها نشان می‌دهد که نهادهای دولتی کشور هیچ‌یک سرفصل معینی تحت عنوان کارآفرینی در برنامه‌های خود تا کنون در نظر نداشته‌اند، به همین نسبت، برای زنان کارآفرین نیز برنامه‌ای مشاهده

1- Heilig & Gerhard

2- Regele & Neck

3- Suresh & Ramraj

4- Schillo

5- Fuerlinger

نشده است و تنها در سطح محدودی مبادرت به اعطای تسهیلات مالی از محل تبصره‌های قانون بودجه و در سطح محدودتر اجرای برنامه‌های آموزشی برای خوداشتغالان و از جمله زنان خوداشتغال نموده‌اند (اسعدی و حق‌پرست، ۱۳۹۲). البته تأکید بر نقش کلیدی دولت در بسترسازی برای فعالیت مطلوب اکوسیستم کارآفرینی در جوامع، عمدتاً با اقتصاد غیر کارآفرین (مانند ایران) مشاهده می‌شود؛ چراکه نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته در کشورهای دیگر، نقش دولت در مراحل ابتدایی توسعه کارآفرینی در این جوامع پررنگ‌تر شده که با گذر کارآفرینی از مرحله تولد به مرحله رشد و بلوغ، این نقش کم‌رنگ‌تر می‌شود و بخش عمده‌ای از وظایف به بخش خصوصی، دانشگاه‌ها، شبکه‌ها، انکوباتورها و... واگذار می‌شود.

در ارتباط با کارآفرینی روستایی در ایران نیز بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که چالش‌های پیش روی کارآفرینی روستایی را کمبود منابع مالی، کمبود تسهیلات زیربنایی و موانع اجتماعی - فرهنگی و مهم‌ترین فرصت‌های کارآفرینی روستایی را ارزانی زمین، فراهم بودن مناظر و منابع طبیعی غنی و فرهنگ و سنن محلی تشکیل می‌دهند (کریمی، ۱۳۹۳) که این عوامل سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی، با توجه به همبستگی بین ظرفیت‌ها، می‌توانند با افزایش وضعیت یک عامل به توسعه سایر عامل‌ها کمک نمایند (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۴). این نوع عملکرد کارآفرینی روستایی، ماهیت عملکرد اکوسیستمی آن را نیز نشان می‌دهد؛ البته برخی مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه نشانگر این است که عوامل زیرساختی، کمترین تأثیر را در بین عواملی مانند عوامل اقتصادی و فردی، تنوع اقتصادی، نیروی انسانی ماهر، توانمندی اقتصادی و رضایت‌مندی، ظرفیت‌سازی، اعتماد به نفس، آینده‌نگری و آگاهی در توسعه کارآفرینی روستایی در ایران داشته‌اند (ولائی و همکاران، ۱۳۹۴). این موضوع، نه به معنای کمتر بودن تأثیر عوامل زیرساختی (عمدتاً عوامل زیرساختی فیزیکی)، بلکه به این معناست که به دلیل توسعه مناسب زیرساخت‌ها در سال‌های اخیر، در مقایسه با سایر عوامل و بازیگران اکوسیستم کارآفرینی روستایی که از توسعه مناسبی برخوردار نبوده‌اند و نیز ماهیت عملکرد سیستمیک کارآفرینی که نیازمند همکاری تمامی بازیگران اکوسیستم است، امروزه این عامل در مقایسه با دیگر عوامل و مؤلفه‌ها، نقش کم‌رنگ‌تری به‌ویژه به عنوان یک مانع در توسعه کارآفرینی دارد.

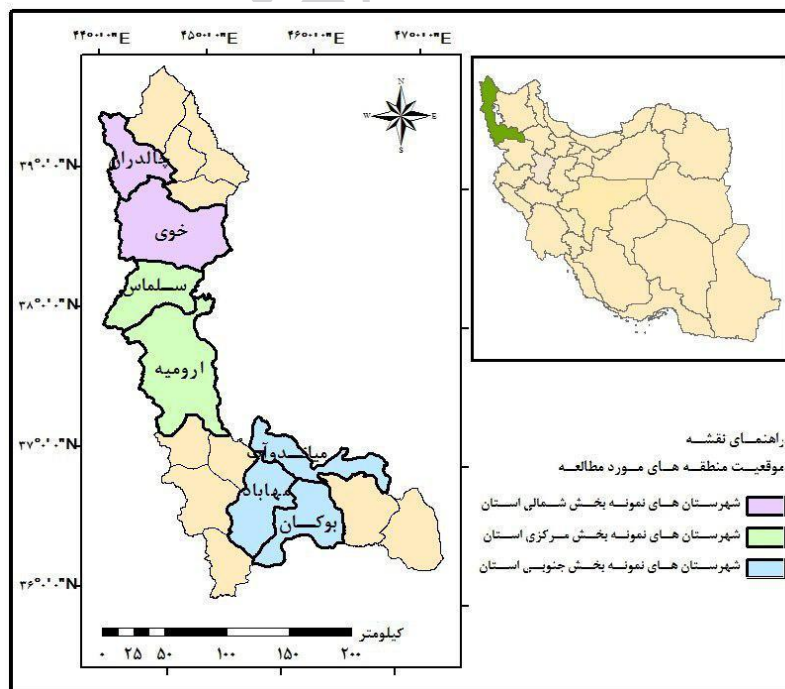
افزون بر مسائل مربوط به وضعیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی در ایران که در بالا به پاره‌ای از آنها اشاره شد، توجه به واقعیت روستاها در ایران نشان می‌دهد که فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی ایران محدود شده است؛ به طوری که مردم فقیر راهی برای خروج از فقر ندارند و در مناطق روستایی، هیچ آمیدی برایشان وجود ندارد؛ از این رو، آنها به شهرهای بزرگ مهاجرت می‌کنند (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۴)؛ که این موضوع، گویای عملکرد متفاوت اکوسیستم کارآفرینی روستایی و شهری است. در منطقه مورد مطالعه نیز با توجه به مشکلات بیکاری، عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های اقتصادی و مهاجرت گسترده روستا - شهری و شرایط نامطلوب ایجاد و رشد کسب و کارهای جدید روستایی لازم می‌نمود تا با رویکردی سیستمی بخشی از این مشکلات که ریشه در مسائل مربوط به فضای کارآفرینی دارند، مورد بررسی قرار گیرند؛ لذا پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه در مقایسه با الگوی ملی و جهانی و همچنین بررسی نقش هریک از زیرسیستم‌ها در بروز شرایط موجود آن است.

مواد و روش‌ها

استان آذربایجان غربی در شمال غرب ایران با مساحت ۳۷/۰۵۹ کیلومتر مربع واقع شده است و دارای ۱۷ شهرستان، ۳۶ بخش، ۳۶ شهر، ۱۰۹ دهستان و ۳۷۲۸ آبادی با مرکزیت شهر ارومیه است. طبق سرشماری سال

۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، این استان ۳۰۸۰۵۷۶ نفر جمعیت دارد که از این تعداد، ۱۱۴۸۰۳۲ نفر را روستاییان تشکیل می‌دهند. این استان یکی از مناطق مستعد کشاورزی است که افزون بر این، وجود ایلات و عشایر در دامداری استان نقش قابل توجهی دارد. با این حال، از نظر اکتشاف و بهره‌برداری منابع معدنی نسبت به سایر استان‌ها در وضع مطلوبی قرار ندارد که این عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های کارآفرینی استان در کنار سایر عوامل، خود را در بیکاری و مهاجرت گسترده روستاییان منطقه نشان می‌دهد.

در مقاله حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات، از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش میدانی (پرسشنامه و مشاهده) استفاده شده است. از آنجا که در این پژوهش از پرسشنامه پنج گزینه‌ای (لیکرت) نیس^۱ که شامل ۹ متغیر و ۵۲ گویه است (جدول ۱) و توسط دیدبان جهانی کارآفرینی به منظور ارزیابی اکوسیستم کارآفرینی مناطق مختلف جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده شده است؛ لذا جامعه آماری تحقیق شامل خبرگان محلی (اعضای شوراهای اسلامی روستاها و دهیاران) است. طبق آمار منتشرشده سال ۱۳۹۰ از سوی مرکز آمار ایران، استان آذربایجان غربی دارای ۱۸۹۷ نفر شورای اسلامی روستایی و ۱۲۱۱ نفر دهیار است که در مجموع، ۳۱۰۸ نفر را شامل می‌گردد که با استفاده از روش کوکران، تعداد ۳۴۱ نفر به عنوان نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده انتخاب شده‌اند. در انتخاب این افراد نیز سه معیار دسترسی، تمایل به مشارکت و میزان آگاهی فرد در ارتباط با موضوع پژوهش مدنظر قرار گرفت. از آنجا که استان آذربایجان غربی دارای ۱۷ شهرستان است که در برخی از این شهرستان‌ها تعداد اعضای شوراهای اسلامی روستایی و دهیاران کمتر از ۱۵۰ نفر بودند، لذا برای صرفه‌جویی در زمان و هزینه، این استان به سه بخش شمالی (شهرستان‌های خوی و چالدران)، مرکزی (ارومیه و سلماس) و جنوبی (میاندوآب، مهاباد و بوکان) تقسیم شد و پرسشنامه‌ها در اختیار شوراها و دهیاران این شهرستان‌ها قرار گرفت (شکل ۱).



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه

1- National Experts Survey

۲- تعداد نمونه انتخاب شده برای هر شهرستان عبارتند از: خوی ۵۶ نفر، چالدران: ۱۸ نفر، سلماس: ۲۳ نفر، ارومیه: ۸۱ نفر، میاندوآب: ۷۱ نفر، مهاباد: ۵۲ نفر و بوکان ۴۰ نفر.

جدول ۱. مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و گویه‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی

کد	گویه	شاخص	مؤلفه
F1 تا F6	وجود منابع مالی کافی و در دسترس برای صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد؛ ارائه تسهیلات مالی (وام) به صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد؛ حمایت‌های یارانه‌ای دولت از صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد؛ دسترسی صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد به سرمایه‌های خصوصی (فردی)، (به غیر از منابع مالی بنیان‌گذاران کسب و کار)؛ وجود و دسترسی صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد به سرمایه‌گذاران (سرمایه‌های) مخاطره‌آمیز؛ امکان تأمین مالی کسب و کارهای جدید از طریق عرضه سهام.	پشتوانه مالی	پشتوانه مالی
PO1 تا PO3	سیاست‌های دولتی حامی کسب و کارهای جدید؛ اولویت بالای سیاست‌های حامی کسب و کارهای جدید و در حال رشد برای دولت ملی؛ اولویت بالای سیاست‌های حامی کسب و کارهای جدید و در حال رشد برای دولت محلی.	کارآفرینی به عنوان مسئله اقتصادی	سیاست‌های دولت
PO4 تا PO7	سهولت در اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب و کارهای جدید (حداکثر یک هفته)؛ سیاست‌های مالیاتی اصولی که باعث افزایش فشار مالی به کارآفرینان نشود؛ قابل پیش‌بینی و سازگار بودن سیاست‌های مالیاتی و سایر قوانین دولتی در ارتباط با کسب و کارهای جدید؛ عدم وجود بروکراسی اداری، الزامات و مقررات صدور مجوز دست و پاگیر در ارتباط با کسب و کارهای جدید.	متعادل و مشوقانه بودن قوانین و مالیات‌ها	سیاست‌های دولت
PR1 تا PR6	مساعده‌های دولتی از طریق سازمان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط به کسب و کارهای جدید؛ پشتیبانی مؤثر پارک‌های علم و فناوری و رشددهندگان کسب و کار از کسب و کارهای جدید؛ تناسب برنامه‌های دولتی با فعالیت‌های کارآفرینانه؛ حمایت مؤثر سازمان‌های دولتی از کسب و کارهای جدید؛ دسترسی و سهولت استفاده کارآفرینان از برنامه‌های دولتی؛ اولویت حمایت از کسب و کارهای جدید در اهداف دنبال‌شده توسط برنامه‌های دولتی.	برنامه‌های دولت برای کارآفرینی	برنامه‌های دولت
ED1 تا ED3	توجه به خلاقیت، خودکفایی و ابتکار عمل شخصی در برنامه‌های آموزشی مدارس؛ توجه به مسائل و اصول اقتصادی - تجاری در برنامه‌های آموزشی مدارس؛ توجه به مباحث کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید در برنامه‌های آموزشی مدارس.	آموزش کارآفرینی در مدارس	آموزش کارآفرینی
ED4 تا ED6	ارائه آموزش‌های لازم برای ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید از سوی دانشگاه‌ها به دانشجویان؛ وجود سطح مطلوبی از آموزش‌های مدیریتی و تجاری در زمینه ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید؛ ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت مداوم از سوی سیستم آموزشی دانشگاه‌ها.	آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها	آموزش کارآفرینی
T1 تا T6	امکان انتقال مؤثر تکنولوژی، دانش و آگاهی جدید از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی به سمت کسب و کارهای جدید؛ دسترسی کسب و کارهای کوچک و متوسط به تکنولوژی و تحقیقات جدید؛ توانایی و امکان دسترسی کسب و کارهای جدید به فناوری‌های جدید و به‌روز؛ تسهیلات مالی دولت به کسب و کارهای جدید به منظور استفاده از تکنولوژی جدید و به‌روز؛ وجود سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر فناوری، از طریق حمایت‌های علمی و فناوری مؤثر؛ وجود شرایط مناسب برای مهندسی و دانشمندان برای بالفعل کردن ایده‌های نو در کسب و کارهای جدید.	انتقال تحقیق و توسعه	انتقال تحقیق و توسعه
IN1 تا IN5	وجود پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان به منظور حمایت از کسب و کارهای جدید؛ توانایی مالی کسب و کارهای جدید در پرداخت هزینه استفاده از مشاوران، پیمانکاران و تأمین‌کنندگان؛ سهولت دسترسی کسب و کارهای جدید به پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان؛ دسترسی کسب و کارهای جدید و در حال توسعه به خدمات حرفه‌ای و حسابداری؛ دسترسی کسب و کارهای جدید به خدمات بانکی (چک‌کردن حساب، معاملات ارزی خارجی، اعتبارنامه بانکی و...).	زیرساخت‌های تجاری و قانونی	زیرساخت‌های تجاری و قانونی
R1 تا R2	میزان تغییرات سالانه بازار کالاها و خدمات مصرفی؛ میزان تغییرات سالانه بازار کالاها و خدمات تجاری؛	پویایی بازار	قوانین ورود
R3 تا R6	سهولت ورود کسب و کارهای جدید به بازارهای جدید؛ توان مالی کسب و کارهای جدید از نظر پرداخت هزینه ورود به بازارهای جدید؛ میزان تهدید کسب و کارهای جدید از سوی کسب و کارهای تثبیت‌شده در هنگام ورود به بازارهای جدید؛ قوانین ضد انحصاری مؤثر با قابلیت اجرایی بالا.	آزادی بازار	قوانین ورود
PY1 تا PY5	وجود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب مانند جاده، آب و برق، ارتباطات و فاضلاب؛ دسترسی آسان و با هزینه کمتر به خدمات ارتباطی مانند اینترنت و تلفن و...؛ مدت‌زمان مناسب برای دسترسی به خدمات ارتباطی مانند اینترنت و تلفن و... (کمتر از یک هفته)؛ توانایی کسب و کارهای جدید در تقبل هزینه بهره‌مندی از خدمات گاز، آب و برق، فاضلاب و...؛ مدت‌زمان مناسب برای بهره‌مندی از خدمات گاز، آب و برق و فاضلاب و... (کمتر از یک ماه).	زیرساخت‌های فیزیکی	زیرساخت‌ها
N1 تا N5	فرهنگ اجتماعی حامی موفقیت‌های شخصی کارآفرینانه؛ اهمیت و توجه فرهنگ جامعه به خودکفایی، استقلال و ابتکارات شخصی؛ تشویق ریسک‌های کارآفرینانه از سوی فرهنگ جامعه؛ تشویق خلاقیت و نوآوری از سوی فرهنگ جامعه؛ تأکید فرهنگ جامعه به مسئولیت‌پذیری فرد در زندگی شخصی.	هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	مهارت‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز در ابتدا با استفاده از آزمون t تک‌نمونه و آمار ارائه شده از سوی دیدبان جهانی کارآفرینی برای سنجش مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی در تطبیق با الگوی ملی و جهانی در محیط نرم‌افزار اس.پی.اس.اس.^۱ استفاده شد؛ سپس برای مشخص شدن نقش هر کدام از زیرسیستم‌ها در حاکمیت فضای کارآفرینی موجود با استفاده از روش تحلیل مسیر در محیط نرم‌افزار لیزرل^۲ تأثیر هر یک از زیرسیستم‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی در توسعه کارآفرینی منطقه مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج

اطلاعات توصیفی به دست آمده از پرسشنامه‌ها، نشان داد که از میان پاسخگویان (شوراهای روستایی و دهیاران) به پرسشنامه‌ها تعداد ۱۱ نفر (۳/۳٪) را زنان و تعداد ۳۳۰ نفر (۹۷/۷٪) را مردان تشکیل می‌دهند که از این تعداد، ۱۳٪ دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر از دیپلم، ۵۸٪ دارای مدرک دیپلم و ۲۹٪ آنها دارای مدرک فوق‌دیپلم و لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

به منظور ارزیابی مطلوبیت یا عدم مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه، پاسخ‌های ارائه‌شده توسط خبرگان محلی در تطبیق با الگوی ملی و جهانی با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. همان‌طور که در جدول ۲ نیز مشاهده می‌شود، نتایج به دست آمده از معنی‌داری شاخص‌های مورد بررسی نشان داد که از تعداد ۱۲ (تحت قالب ۹ زیرسیستم) زیراکوسیستم کارآفرینی بررسی‌شده در ارتباط با الگوی ملی با میانگین ۱/۶۲ و ۱/۸۳ تنها زیراکوسیستم‌های «متعادل و مشوقانه بودن قوانین و مالیات‌ها» و «آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها» به ترتیب با میانگین ۱/۸۱ و ۱/۸۶ نسبت به الگوی ملی آنها در منطقه مورد مطالعه از مطلوبیت لازم برخوردار هستند؛ به عبارت دیگر، آماره t به دست آمده برای این شاخص‌ها به ترتیب برابر ۱/۷۳ و ۱/۸۲ با سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است که مطلوبیت این دو شاخص را تأیید می‌کند؛ اما در مقایسه با الگوی جهانی با میانگین ۲/۴۲ و ۲/۷۸ از مطلوبیت لازم برخوردار نیستند.

جدول ۲. آماره t به دست آمده برای زیراکوسیستم‌های کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه در مقایسه با الگوی ملی و جهانی

زیراکوسیستم	میانگین منطقه	میانگین ملی	میانگین جهانی	آماره t در مقایسه با الگوی ملی		آماره t در مقایسه با الگوی جهانی	
				t	معنی‌داری	t	معنی‌داری
پشتوانه مالی	۱/۱۴	۱/۷۵	۲/۸۲	-۱/۸۵	۰/۰۰۰	-۴/۳۵	۰/۰۰۰
کارآفرینی به عنوان مسئله اقتصادی	۱/۹۱	۲	۲/۵۴	-۴/۵۲	۰/۰۰۰	-۳/۱۶	۰/۰۰۰
متعادل و مشوقانه بودن قوانین و مالیات‌ها	۱/۸۱	۱/۶۲	۲/۴۲	۱/۷۳	۰/۰۰۰	-۵/۵۶	۰/۰۰۰
برنامه‌های دولت برای کارآفرینی	۱/۰۷	۱/۳۶	۲/۶۱	-۱/۰۵	۰/۰۰۰	-۱/۲۰	۰/۰۰۰
آموزش کارآفرینی در مدارس	۱/۳۹	۱/۴۶	۱/۹۱	-۱/۵۵	۰/۰۰۰	-۱/۱۵	۰/۰۰۰
آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها	۱/۸۶	۱/۸۳	۲/۷۸	۱/۸۲	۰/۰۰۰	-۵/۶۰	۰/۰۰۰
انتقال تحقیق و توسعه	۱/۷۹	۱/۸۱	۲/۳۱	-۱/۶۰	۰/۰۰۰	-۴/۱۷	۰/۰۰۰
زیرساخت‌های تجاری و قانونی	۱/۳۷	۱/۸۵	۲/۹۵	-۴/۹۹	۰/۰۰۰	-۱/۶۴	۰/۰۰۰
پویایی بازار	۱/۹۳	۳	۲/۹۷	-۳/۸۲	۰/۰۰۰	-۳/۷۱	۰/۰۰۰
آزادی بازار	۱/۱۶	۱/۶۳	۲/۵۴	-۳/۱۴	۰/۰۰۰	-۹/۲۳	۰/۰۰۰
زیرساخت‌های فیزیکی	۲/۳۲	۳/۷۹	۳/۸۵	-۴/۹۱	۰/۰۰۰	-۵/۱۱	۰/۰۰۰
هنجارهای اجتماعی و فرهنگی	۱/۸۳	۲/۱۰	۲/۸۲	-۱/۸۴	۰/۰۰۰	-۶/۷۵	۰/۰۰۰

1- Statistical Package for the Social Sciences (SPSS)

2- Linear Structural Relations (LISREL)

آماره t به دست آمده برای سایر زیراکوسیستم‌ها نشانگر منفی بودن این آماره است که به معنای تأیید شرایط نامطلوب این شاخص‌ها در شرایط موجود است که از میان آنها زیراکوسیستم‌های «برنامه‌های دولت در زمینه کارآفرینی» و «پشتوانه مالی» به ترتیب با میانگین ۱/۰۷ و ۱/۱۴ نامطلوب‌ترین شرایط را دارا هستند. به منظور بررسی نقش زیرسیستم‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی در حاکمیت وضعیت نامطلوب آن در منطقه مورد مطالعه نیز، نظرات ارائه‌شده توسط خبرگان محلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (جدول ۳). نتایج به دست آمده برای زیرسیستم «پشتوانه مالی» حاکی از این است که از دیدگاه خبرگان محلی، گویه‌های «وجود و دسترسی صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد به سرمایه‌گذاران مخاطره‌آمیز» و «امکان تأمین مالی کسب و کارهای جدید از طریق عرضه سهام» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۸۱ و ۰/۷۴، بیشترین تأثیر را در ایجاد شرایط نامطلوب کارآفرینی در منطقه مورد مطالعه دارا هستند؛ به عبارت دیگر، عدم وجود و دسترسی صاحبان کسب و کارهای روستایی به سرمایه‌گذاری‌ها و نبود امکان تأمین مالی کسب و کارهای روستایی از طریق عرضه سهام، مهم‌ترین دلایل شرایط نامطلوب کارآفرینی است.

نتایج به دست آمده برای زیرسیستم «سیاست‌های دولت» نشان می‌دهد که از میان ۷ گویه بررسی‌شده، دو گویه «اولویت بالای سیاست‌های حامی کسب و کارهای جدید و در حال رشد برای دولت محلی» و «سهولت در اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب و کارهای جدید (حداکثر یک هفته)» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۷۶ و ۰/۷۱، بیشترین تأثیر را در عدم مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی دارند. در ارتباط با زیرسیستم «برنامه‌های دولت» نیز نتایج، گویای تأثیر بالای دو گویه «مساعدت‌های دولتی از طریق سازمان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط به کسب و کارهای جدید» و «پشتیبانی مؤثر پارک‌های علم و فناوری و رشددهندگان کسب و کار از کسب و کارهای جدید» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۸۳ و ۰/۷۲ است. از دیدگاه خبرگان محلی، برای زیرسیستم «آموزش کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها» دو گویه «توجه به مباحث کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید در برنامه‌های آموزشی مدارس» و «توجه به مسائل و اصول اقتصادی - تجاری در برنامه‌های آموزشی مدارس» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۷۹ و ۰/۷۱ بیشترین نقش را در ایجاد شرایط نامطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی دارند.

نتایج به دست آمده برای زیرسیستم «انتقال تحقیق و توسعه» نیز نشان داد که از میان ۶ گویه مورد بررسی، گویه‌های «توانایی و امکان دسترسی کسب و کارهای جدید به تکنولوژی‌های جدید و به‌روز» و «تسهیلات مالی دولت به کسب و کارهای جدید به منظور استفاده از تکنولوژی‌های جدید و به‌روز» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۷۸ و ۰/۷۷ بیشترین تأثیر را در نامطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی از دیدگاه خبرگان محلی دارا هستند. بررسی ۵ گویه زیرسیستم «زیرساخت‌های تجاری و قانونی» نیز حاکی از تأثیر بالای دو گویه «دسترسی کسب و کارهای جدید و در حال توسعه به خدمات حرفه‌ای و حسابداری» و «توانایی مالی کسب و کارهای جدید در پرداخت هزینه استفاده از مشاوران، پیمانکاران و تأمین‌کنندگان» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۸۰ و ۰/۷۲ در عدم مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی منطقه است.

در ارتباط با زیرسیستم «قوانین ورود: پویایی‌های بازار و آزادی بازار» نتایج به دست آمده از پاسخ خبرگان محلی، بر تأثیر بالای دو گویه «سهولت ورود کسب و کارهای جدید به بازارهای جدید» و «توان مالی کسب و کارهای جدید از نظر پرداخت هزینه ورود به بازارهای جدید» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۷۹ و ۰/۷۳ در عملکرد نامطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی تأکید دارد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده برای زیرسیستم «زیرساخت‌های فیزیکی» نیز نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان محلی، دو گویه «توانایی کسب و کارهای جدید در تقبل هزینه بهره‌مندی از خدمات گاز، آب و برق، فاضلاب و...» و «مدت‌زمان مناسب برای بهره‌مندی از خدمات گاز، آب و برق

و فاضلاب و... (کمتر از یک ماه)» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۷۳ و ۰/۵۹، مهم‌ترین عوامل عملکرد نامطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی هستند. بررسی زیرسیستم «هنجارهای فرهنگی - اجتماعی» نیز نشان داد که در مناطق روستایی مورد مطالعه، دو گویه «اهمیت و توجه فرهنگ جامعه به خودکفایی، استقلال و ابتکارات شخصی» و «فرهنگ اجتماعی حامی موفقیت‌های شخصی کارآفرینانه» به ترتیب با ضریب تأثیر ۰/۸۷ و ۰/۷۵، بیشترین تأثیر را در بروز شرایط نامطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی دارند.

جدول ۳. نقش زیرسیستم‌ها در ایجاد شرایط نامطلوب محیط کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه

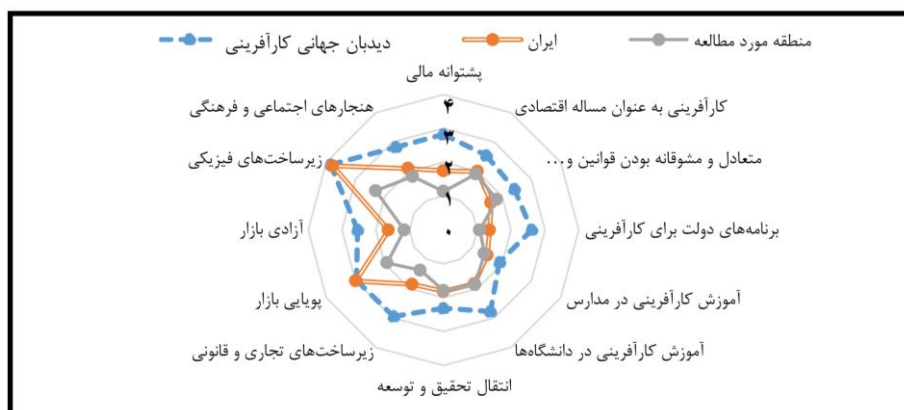
معنی‌داری	ضریب تأثیر	گویه	زیرسیستم
۱/۰۰	۰/۵۹	وجود منابع مالی کافی و در دسترس برای صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد؛	پشتوانه مالی
۹/۰۷	۰/۶۳	ارائه تسهیلات مالی (وام) به صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد؛	
۸/۸۲	۰/۶۱	حمایت‌های یارانه‌ای دولت از صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد؛	
۹/۲۵	۰/۶۵	دسترسی صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد به سرمایه‌های خصوصی (فردی)، (به غیر از منابع مالی بنیان‌گذاران کسب و کار)؛	
۱۰/۶۳	۰/۸۱	وجود و دسترسی صاحبان کسب و کارهای جدید و در حال رشد به سرمایه‌گذاران (سرمایه‌های) مخاطره‌آمیز؛	
۱۰/۱۴	۰/۷۴	امکان تأمین مالی کسب و کارهای جدید از طریق عرضه سهام؛	
۱/۰۰	۰/۶۳	سیاست‌های دولتی حامی کسب و کارهای جدید؛	سیاست‌های دولت
۱۰/۱۴	۰/۶۸	اولویت بالای سیاست‌های حامی کسب و کارهای جدید و در حال رشد برای دولت ملی؛	
۱۰/۹۸	۰/۷۶	اولویت بالای سیاست‌های حامی کسب و کارهای جدید و در حال رشد برای دولت محلی؛	
۱۰/۵۳	۰/۷۱	سهولت در اخذ مجوزها و پروانه‌های کسب و کارهای جدید (حداکثر یک هفته)؛	
۹/۴۷	۰/۶۲	سیاست‌های مالیاتی اصولی که باعث افزایش فشار مالی به کارآفرینان نشود؛	
۸/۹۳	۰/۵۸	قابل پیش‌بینی و سازگار بودن سیاست‌های مالیاتی و سایر قوانین دولتی در ارتباط با کسب و کارهای جدید؛	
۶/۸۶	۰/۵۸	عدم وجود بروکراسی اداری، الزامات و مقررات صدور مجوز دست و پاگیر در ارتباط با کسب و کارهای جدید	برنامه‌های دولت
۱/۰۰	۰/۸۳	مساعده‌های دولتی از طریق سازمان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط به کسب و کارهای جدید؛	
۱۴/۰۶	۰/۷۲	پشتیبانی مؤثر پارک‌های علم و فناوری و رشددهندگان کسب و کار از کسب و کارهای جدید؛	
۱۳/۵۳	۰/۷۱	تناسب برنامه‌های دولتی با فعالیت‌های کارآفرینانه؛	
۷/۸۹	۰/۴۴	حمایت مؤثر سازمان‌های دولتی از کسب و کارهای جدید؛	
۱۲/۸۴	۰/۶۷	دسترسی و سهولت استفاده کارآفرینان از برنامه‌های دولتی؛	
۱۰/۷۲	۰/۵۸	اولویت حمایت از کسب و کارهای جدید در اهداف دنبال‌شده توسط برنامه‌های دولت؛	آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها
۱/۰۰	۰/۷۰	توجه به خلاقیت، خودکفایی و ابتکار عمل شخصی در برنامه‌های آموزشی مدارس؛	
۱۱/۵۴	۰/۷۱	توجه به مسائل و اصول اقتصادی - تجاری در برنامه‌های آموزشی مدارس؛	
۱۲/۵۵	۰/۷۹	توجه به مباحث کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای جدید در برنامه‌های آموزشی مدارس؛	
۱۱/۶۰	۰/۷۱	ارائه آموزش‌های لازم برای ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید از سوی دانشگاه‌ها به دانشجویان؛	
۹/۱۶	۰/۵۵	وجود سطح مطلوبی از آموزش‌های مدیریتی و تجاری در زمینه ایجاد و توسعه کسب و کارهای جدید؛	
۸/۵۲	۰/۵۱	ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به صورت مداوم از سوی سیستم آموزشی دانشگاه‌ها؛	انتقال تحقیق و توسعه
۱/۰۰	۰/۵۴	امکان انتقال مؤثر تکنولوژی، دانش و آگاهی جدید از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دولتی به سمت کسب و کارهای جدید؛	
۸/۳۱	۰/۶۲	دسترسی کسب و کارهای کوچک و متوسط به تکنولوژی و تحقیقات جدید؛	
۹/۳۸	۰/۷۸	توانایی و امکان دسترسی کسب و کارهای جدید به تکنولوژی‌های جدید و به‌روز؛	
۹/۳۴	۰/۷۷	تسهیلات مالی دولت به کسب و کارهای جدید به منظور استفاده از تکنولوژی جدید و به‌روز؛	
۸/۰۶	۰/۵۹	وجود سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر فناوری از طریق حمایت‌های علمی و تکنولوژیکی مؤثر؛	
۶/۵۵	۰/۴۴	وجود شرایط مناسب برای مهندسين و دانشمندان برای بالفعل کردن ایده‌های نو در کسب و کارهای جدید؛	

ادامه جدول ۳. نقش زیرسیستم‌ها در ایجاد شرایط نامطلوب محیط کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه

۱/۰۰	۰/۵۶	وجود پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان به منظور حمایت از کسب و کارهای جدید؛	زیرساخت‌های تجاری و قانونی
۹/۵۶	۰/۷۲	توانایی مالی کسب و کارهای جدید در پرداخت هزینه استفاده از مشاوران، پیمانکاران و تأمین‌کنندگان؛	
۸/۷۶	۰/۶۲	سهولت دسترسی کسب و کارهای جدید به پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان؛	
۱۰/۱۵	۰/۸۰	دسترسی کسب و کارهای جدید و درحال توسعه به خدمات حرفه‌ای و حسابداری؛	
۶/۷۹	۰/۴۴	دسترسی کسب و کارهای جدید به خدمات بانکی (چک کردن حساب، معاملات ارزی خارجی، اعتبارنامه بانکی و...)	
۱/۰۰	۰/۵۲	میزان تغییرات سالانه بازار کالاها و خدمات مصرفی؛	قوانین ورود پولی بازار
۷/۹۹	۰/۶۲	میزان تغییرات سالانه بازار کالاها و خدمات تجاری؛	
۸/۹۹	۰/۷۹	سهولت ورود کسب و کارهای جدید به بازارهای جدید؛	
۸/۷۴	۰/۷۳	توان مالی کسب و کارهای جدید از نظر پرداخت هزینه ورود به بازارهای جدید؛	
۸/۱۷	۰/۶۴	میزان تهدید کسب و کارهای جدید از سوی کسب و کارهای تثبیت شده هنگام ورود به بازارهای جدید؛	
۷/۰۶	۰/۵۱	قوانین ضد انحصاری مؤثر با قابلیت اجرایی بالا؛	
۱/۰۰	۰/۳۹	وجود زیرساخت‌های فیزیکی مناسب مانند جاده، آب و برق، ارتباطات و فاضلاب؛	زیرساخت‌های فیزیکی
۵/۳۴	۰/۵۲	دسترسی آسان و با هزینه کمتر به خدمات ارتباطی مانند اینترنت، تلفن و...؛	
۵/۱۱	۰/۴۷	مدت‌زمان مناسب برای دسترسی به خدمات ارتباطی مانند اینترنت، تلفن و... (کمتر از یک هفته)؛	
۵/۷۸	۰/۷۳	توانایی کسب و کارهای جدید در تقبل هزینه بهره‌مندی از خدمات گاز، آب و برق، فاضلاب و...؛	
۵/۶۰	۰/۵۹	مدت‌زمان مناسب برای بهره‌مندی از خدمات گاز، آب و برق، فاضلاب و... (کمتر از یک ماه)؛	
۱/۰۰	۰/۷۵	فرهنگ اجتماعی حامی موفقیت‌های شخصی کارآفرینانه؛	هنجارهای فرهنگی اجتماعی
۱۳/۲۶	۰/۸۷	اهمیت و توجه فرهنگ جامعه به خودکفایی، استقلال و ابتکارات شخصی؛	
۱۱/۶۱	۰/۶۸	تشویق ریسک‌های کارآفرینانه از سوی فرهنگ جامعه؛	
۵/۹۷	۰/۳۵	تشویق خلاقیت و نوآوری از سوی فرهنگ جامعه؛	
۴/۹۶	۰/۲۹	تأکید فرهنگ جامعه به مسئولیت‌پذیری فرد در زندگی شخصی.	

بحث

با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی نسبت به الگوی ملی و جهانی آن، همان‌طور که در شکل ۲ نیز مشاهده می‌شود، ۱۰ زیرسیستم از اکوسیستم کارآفرینی منطقه مورد مطالعه وضعیت بسیار نامطلوبی نسبت به الگوهای ملی و جهانی را نشان می‌دهند، به طوری که مشخص است مقدار آماره t در سطح معنی‌داری کمتر از $0/05$ برای تمامی این زیرسیستم‌ها منفی بوده که حاکی از عدم مطلوبیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه است.



شکل ۲. الگوی اکوسیستم کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه در مقایسه با الگوی ملی و جهانی

نتایج به دست آمده برای عملکرد زیراکوسیستم‌ها نشان می‌دهد که در ارتباط با «زیراکوسیستم پشتوانه مالی»، عدم وجود و دسترسی صاحبان کسب و کارهای روستایی به سرمایه‌گذاری‌ها و نبود امکان تأمین مالی کسب و کارهای روستایی از طریق عرضه سهام، مهم‌ترین دلایل شرایط نامطلوب در این زیراکوسیستم هستند. دلیل تشخیص گویه‌های یادشده به عنوان مؤثرترین عوامل در بروز شرایط نامطلوب کارآفرینی از دیدگاه خبرگان محلی نیز، نبود جذابیت سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای روستایی برای سرمایه‌گذاران به دلیل پایین بودن سوددهی آنها است که این تأثیر در عدم دسترسی صاحبان کسب و کارهای روستایی به منابع مالی که از طریق عرضه سهام تأمین می‌شوند، بسیار مؤثر است. این نتایج با یافته‌های کریمی (۱۳۹۳) و سروش و رامراج (۲۰۱۲) که عدم وجود حمایت‌های مالی در نواحی روستایی را مهم‌ترین چالش پیش روی کارآفرینان روستایی می‌دانند منطبق است. سایر نتایج به دست آمده نشانگر این است که روستاییان منطقه مورد مطالعه از حمایت‌های یارانه‌ای دولت در قالب وام که مختص به افراد کارآفرین باشد محروم هستند و تنها به وام‌های معمول ارائه‌شده از سوی بانک‌ها و مؤسسات مالی دسترسی دارند. این در حالی است که در مناطق روستایی مورد نظر، بیشتر روستاییان با مشکلات مالی عمده‌ای حتی در زندگی روزمره خود نیز روبه‌رو هستند که دریافت وام‌های معمول را نیز برای آنها تقریباً غیرممکن کرده است؛ این موضوع (عدم ایجاد تنوع اقتصادی و اشتغال‌زایی) یکی از مهم‌ترین دلایل مهاجرت جوانان روستایی به شهرها به‌ویژه شهرهای مرکز شهرستان و حتی کلان‌شهرهای خارج از منطقه است. این یافته‌ها با نتایج ولائی و همکاران (۱۳۹۴) که معتقدند با بالا رفتن میزان تسهیلات دریافتی از قبیل وام‌های خوداشتغالی، منابع مالی لازم و کافی، تنوع شغلی موجب افزایش انگیزه و روحیه فردی برای توسعه و گسترش کارآفرینی می‌شود، منطبق است.

در «زیرسیستم سیاست‌های دولت»، از دیدگاه خبرگان محلی، دولت علاقه چندانی برای توسعه کسب و کارهای روستایی در سیاست‌های اجرایی خود نشان نمی‌دهد که این موضوع، ارگان‌های محلی (دولت محلی) فعال در امور روستایی را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ همچنین از دیدگاه آنها، بروکراسی اداری در ارائه مجوزهای کسب و کار و قابل پیش‌بینی نبودن سیاست‌های مالیاتی و قانونی دولت در زمینه کارآفرینی نیز از جمله مهم‌ترین دلایل سیاسی - اداری وضعیت نامطلوب کارآفرینی روستایی در منطقه است. این نتایج با نتایج پژوهش انتظاری (۲۰۱۵) که معتقد است دولت نقش حمایتی و کلیدی در ساختار اکوسیستم کارآفرینی بازی می‌کند و کلید ایجاد و آغاز ساختار اکوسیستم کارآفرینی در استان‌های ایران در دست دولت است و نتایج تحقیق فلینگر و همکاران (۲۰۱۵) که سیاست‌های دولتی مانند بهبود در محیط نظارتی و آموزش کارآفرینی، در نظر گرفتن طرح‌های تشویقی برای فعالین علمی به منظور تشویق بیشتر فعالیت‌های انتقال فناوری و سیاست‌هایی که ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی را در ارتباط با کارآفرینی تحت تأثیر قرار دهد، باعث پویایی اکوسیستم کارآفرینی می‌شوند، مطابقت دارد.

نتایج نشانگر این است که عدم مطلوبیت «زیرسیستم برنامه‌های دولت» ارتباط مستقیمی با ضعف سیاست‌های دولتی در ارتباط با کارآفرینی روستایی دارد. همان‌طور که در بررسی زیراکوسیستم سیاست‌های دولت اثبات شد، نبود سیاست‌های حامی کارآفرینی روستایی که اساس ایجاد برنامه‌های لازم در این زمینه است، از جمله مهم‌ترین دلایل نامطلوب بودن اکوسیستم کارآفرینی روستایی است. این شرایط، به طور زنجیروار سایر ابعاد را در برنامه‌های دولتی مانند اولویت‌فائل شدن به کارآفرینی روستایی، همسو کردن برنامه‌ها با فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی و در نتیجه توجه به برنامه‌های حمایتی از کارآفرینی روستایی را تحت تأثیر قرار داده است. از دیگر سو، پارک‌های علم و فناوری در ایران با رویکردی شهرگرایانه توجه چندانی به فرصت‌های کارآفرینانه روستاها و توسعه کارآفرینی روستایی از طریق حمایت‌های فنی، کارشناسی و ترویجی ندارند که این موضوع، باعث عدم دسترسی روستاییان و

کارآفرینان روستایی به برنامه‌های کارآفرینانه نیز شده است. این نتایج با یافته‌های کردنائیج و همکاران (۱۳۹۲) که تدوین سند ملی توسعه کارآفرینی را مهم‌ترین عامل در توسعه کارآفرینی و ایجاد مراکز کارآفرینی و خدمات مشاوره‌ای، اصلاح قوانین و مقررات اداری - بانکی، ایجاد و تقویت پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد، ایجاد دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های کارآفرینی، حمایت‌های مالی و مالیاتی سازمان‌یافته، کاهش الزامات و مراحل اداری - بانکی و ثبت شرکت‌ها و ایجاد شبکه‌های حامی کارآفرینی می‌دانند، مطابقت دارد.

در ارتباط با «زیرسیستم آموزش کارآفرینی» لازم به ذکر است که موضوع آموزش کارآفرینی در مدارس خارج از بررسی‌های منطقه‌ای مشکلی ملی است که مربوط به سیستم آموزشی در مدارس و دانشگاه‌های کشور است که دامنه این مشکل، در مناطق روستایی با شدت بیشتری به چشم می‌خورد. این موضوع، هنگامی که با مشکل سختی دسترسی به مدارس به‌ویژه در مقاطع راهنمایی و دبیرستان برای بیشتر روستاییان منطقه همراه می‌شود، اهمیت مسئله مورد نظر را افزایش می‌دهد. پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان، آموزش شیوه‌های امنیت مالی و مدیریت اقتصادی، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌ویژه در مناطق روستایی که ماهیت کسب و کارهای این مناطق به شدت این نوع آموزش‌ها را می‌طلبد و آموزش شناسایی فرصت‌های ایجاد کسب و کارهای جدید به‌خصوص در بخش اول اقتصادی که امروزه شرطی ضروری برای تنوع بخشیدن به اقتصاد مناطق روستایی است، در سطح ملی به طور عام و سطح محلی به طور خاص در باید مدارس و دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد. این یافته‌ها، با یافته‌های الوانی و همکاران (۱۳۹۰) که طرح تأسیس بنیاد ملی آموزش کارآفرینی، تدوین سند ملی آموزش کارآفرینی در ایران، ارائه الگوی استاندارد آموزش کارآفرینی در ایران را از جمله چالش‌ها و ضرورت‌های توسعه کارآفرینی می‌دانند و یافته‌های اسعدی و حق‌پرست (۱۳۹۲) که ثابت کرده‌اند نهادهای آموزشی دولتی کشور هیچ‌یک سرفصل معینی با عنوان کارآفرینی در برنامه‌های خود تا کنون در نظر نداشته‌اند، مطابقت دارد.

در زمینه «زیرسیستم انتقال تحقیق و توسعه» نیز، عدم توانایی و امکان دسترسی کسب و کارهای جدید به تکنولوژی‌های جدید و به‌روز و نبود و یا ضعف تسهیلات مالی دولت به کسب و کارهای جدید به منظور استفاده از تکنولوژی‌های جدید و به‌روز، در کنار عواملی مانند نبود یا سختی دسترسی روستاییان به تکنولوژی‌ها و تحقیقات جدید، عدم توجه مؤسسات و نهادهای دولتی به انتقال مؤثر تکنولوژی و دانش به مناطق روستایی، باعث شده‌اند تا روستاییان علاوه بر محروم بودن از این امکانات، از به فعل درآوردن ایده‌های جدید خود نیز محروم باشند. بخشی از این مشکلات، ریشه در زیرسیستم‌های سیاست‌های دولتی و برنامه‌های دولتی دارند؛ چراکه برای انتقال تکنولوژی، حمایت‌های فنی و مالی و دانش و آگاهی برای بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی ابتدا باید در زمینه‌های یادشده سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شود. این نتایج، علاوه بر مطابقت با یافته‌های دیگر پژوهشگران کارآفرینی که در قسمت سیاست‌ها و برنامه‌های دولت، پشتوانه مالی و آموزش کارآفرینی ذکر شد، با یافته‌های فرناندز و همکاران (۲۰۱۵) که همکاری میان بخش خصوصی، مراکز رشد، بخش دولتی و دانشگاه‌ها را به عنوان عواملی ضروری برای موفقیت اکوسیستم کارآفرینی معرفی می‌کنند، مطابقت دارد.

با توجه به اینکه «زیرسیستم زیرساخت‌های تجاری و قانونی» امروزه یکی از کلیدی‌ترین عوامل اکوسیستم کارآفرینی به شمار می‌رود؛ با این وجود، در مناطق روستایی ایران به طور عام و مناطق روستایی آذربایجان غربی به طور خاص، ارائه مشاوره‌های فنی و حرفه‌ای، مالی و حسابداری از یک‌سو و نبود یا سختی دسترسی به پیمانکاران و تأمین‌کنندگان از دیگر سو، مشکلی فراگیر و قابل مشاهده است. این عوامل، در کنار تنوع پایین کسب و کارهای روستایی که مطابق یافته‌های ولانی و همکاران (۱۳۹۴) که معتقدند تنوع شغلی موجب افزایش انگیزه و روحیه فردی برای توسعه و گسترش کارآفرینی می‌شود؛ همچنین نبود جذابیت سرمایه‌گذاری در این نوع کسب و کارها

برای تأمین کنندگان (به‌ویژه تأمین کنندگان مالی) و طولانی بودن مسیر تولید تا مصرف در اقتصاد روستایی (وجود دلالتان واسطه) برای تولید کنندگان روستایی و نبود قوانین حامی تولید کنندگان روستایی؛ به عنوان مهم‌ترین دلایل زیرساختی تجاری - قانونی در عدم مطلوبیت عملکرد اکوسیستم کارآفرینی روستایی از سوی خبرگان محلی شناسایی شده‌اند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کریمی (۱۳۹۳) که تدوین و تصویب قوانین حمایت از کسب و کار را به عنوان عامل مهم در موفقیت کارآفرینی روستایی معرفی می‌کند و یافته‌های رگل و نک (۲۰۱۰) که نبود زیرساخت‌های تجاری و قانونی را از جمله مشکلات توسعه کارآفرینی معرفی کرده و این عنصر را از عناصر پایه‌ای برای اکوسیستم کارآفرینی معرفی می‌کنند و یافته‌های اسعدی و حق‌پرست (۱۳۹۲) که ارائه مشاوره و هدایت نظام‌مند و کشف فرصت‌ها را به‌ویژه از سوی ارگان‌های دولتی برای سهولت روند توسعه کارآفرینی لازم می‌دانند، مطابقت دارد.

در ارتباط با «زیرسیستم قوانین ورود (پویایی و آزادی بازار)» نتایج نشان می‌دهد که در مناطق روستایی مورد مطالعه، اقتصاد روستایی به طور عمده، سنتی بوده و شکل بهره‌برداری از فرصت‌های روستایی بیشتر در بخش زراعت، باغداری و دامداری است و تلاش چندانی از سوی دولت و مؤسسات خصوصی در زمینه تنوع‌بخشی به اقتصاد صورت نمی‌گیرد؛ لذا برای روستاییان منطقه، وارد شدن به زمینه‌های شغلی جدید به‌خصوص در رقابت با مشاغل مشابه شهری تقریباً غیرممکن شده است. این عامل، در کنار عامل عدم دسترسی مناسب به منابع مالی و فقر نسبی گسترده در این روستاها و در حالت کلی، عدم پشتوانه مالی مناسب که تضمینی بر تهدید پایین این کسب و کارها از سوی هم‌تایان شهری آنها باشد و امکان رقابت را فراهم نماید را با مشکل مواجه کرده است. همسو با این مشکلات، نبود پویایی لازم در بازار کسب و کارهای روستایی و نبود قوانین ضد انحصاری مؤثر که حامی کسب و کارهای روستایی بوده و امکان پیش‌بینی تغییرات سالانه بازار محصولات روستایی را فراهم نماید، از جمله دیگر عوامل تأثیرگذار در عملکرد نامطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی منطقه از دیدگاه خبرگان محلی به شمار می‌روند. این نتایج، علاوه بر مطابقت با نتایج به دست آمده در این زمینه توسط تحقیقات مشابه که در قسمت مربوط به سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی، پشتوانه مالی و زیرساخت‌های تجاری - قانونی ذکر شد، با یافته‌های انگ (۲۰۱۵) که بی‌توجهی به سیاست‌های عمومی، عوامل یکپارچه‌کننده و اندازه بازار را به عنوان موانعی در راه توسعه کارآفرینی می‌داند، مطابقت دارد.

با وجود مطلوبیت نتایج به دست آمده برای «زیرسیستم زیرساخت‌های فیزیکی» در مناطق روستایی مورد مطالعه، مانند سیستم حمل‌ونقل، لوله‌کشی آب و بر خورداری از برق، فقر نسبی حاکم در مناطق روستایی که عمدتاً ریشه در سنتی بودن شکل بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی این مناطق و به واسطه آن فقر نسبی گسترده روستاییان، امکان تقبل هزینه بهره‌مندی از این خدمات برای بیشتر آنها دشوار است. با توجه به اینکه اکثر روستاهای منطقه مورد مطالعه از نعمت گاز، تلفن ثابت (حدود ۵۰٪ روستاهای مورد مطالعه)، فاضلاب و اینترنت (عمدتاً به دلیل ناآگاهی و عدم وجود ضرورت استفاده برای بیشتر روستاییان) که امروزه لازمه ورود به بازارهای جدید هستند، محروم بوده و مدت‌زمان اخذ مجوز این خدمات نسبت به معیار جهانی طولانی‌تر است، این عوامل نقش زیادی در دیدگاه خبرگان محلی به مسئله داشته است. این نتایج، با توجه به یافته‌های تقدیسی و همکاران (۱۳۹۴) که معتقدند شاخص زیرساختی در روستاها بیشترین تأثیر را بر کارآفرینی داشته است، لزوم توجه به این بعد را حائز اهمیت می‌نماید.

از دیدگاه خبرگان محلی، در ارتباط با «زیرسیستم هنجارهای فرهنگی - اجتماعی»، فرهنگ جوامع روستایی به خودکفایی و استقلال شخصی افراد و به‌ویژه جوانان روستایی که در بیشتر روستاهای مورد مطالعه جزوی از

اقتصاد خانواده به شمار می‌روند و در این مورد نیز اکثراً پیشه‌پداری را پذیرفته و به شکل سنتی در بخش اول اقتصادی مشغول فعالیت شده و یا برای گریز از این شرایط، مجبور به ترک روستای محل زندگی خود می‌شوند، از مهم‌ترین دلایل شرایط نامطلوب عملکرد اکوسیستم کارآفرینی روستایی به شمار می‌روند. در کنار این عوامل، تسلط تفکر عمدتاً سنتی در مناطق روستایی یادشده که مانعی بزرگ در مسیر شکوفایی خلاقیت‌ها و نوآوری‌های جوانان روستایی است و همچنین وابستگی اقتصادی جوانان ساکن این روستاها (حتی پس از ازدواج) به خانواده‌پداری، به دلیل تنوع پایین اقتصاد روستایی، عدم آموزش لازم در استفاده از فرصت‌های ایجاد کسب و کارهای جدید روستایی و هنجارهای سنتی حاکم بر جامعه به عنوان دیگر دلایل عملکرد ضعیف اکوسیستم کارآفرینی روستایی از نظر خبرگان محلی به شمار می‌رود. این نتایج، افزون بر مطابقت با یافته‌های پژوهش‌های مشابه که در بخش آموزش کارآفرینی به آنها اشاره شد، با یافته‌های کریمی (۱۳۹۳) که موانع اجتماعی - فرهنگی را از مهم‌ترین چالش‌های کارآفرینی روستایی معرفی می‌کند، مطابقت دارد.

در مجموع، بررسی وضعیت اکوسیستم کارآفرینی روستایی منطقه مورد مطالعه نشان می‌دهد که تمام زیراکوسیستم‌ها دارای تأثیر منفی در عملکرد مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی هستند که در این میان، زیراکوسیستم‌های «زیرساخت‌های تجاری و قانونی» و «برنامه‌های دولت برای کارآفرینی» بیشترین تأثیر را در عملکرد نامطلوب آن دارند. در مقابل، کمترین تأثیر در این زمینه مربوط به زیراکوسیستم‌های «هنجارهای اجتماعی» و «زیرساخت‌های فیزیکی» است (جدول ۴). این نتایج، با نتایج کار برنارد و میاد^۱ (۲۰۰۹)، ژائو^۲ (۲۰۱۱) و زامبری احمد و خاویر^۳ (۲۰۱۲) که نبود برنامه‌های دولتی مناسب به‌ویژه در زمینه بوروکراسی اداری، ثبات بازار داخلی، تحقیق و توسعه و سطح انتقال آن و دسترسی کارآفرینان به خدمات حرفه‌ای و مشاوره‌ای (زیرساخت‌های تجاری و قانونی) را از جمله عوامل محدودکننده برای محیط کارآفرینی می‌دانند، همخوانی دارد. در میان پژوهش‌های صورت گرفته در ایران نیز، نتایج به دست آمده با نتایج کار داوری و همکاران (۱۳۹۶)، قبری و همکاران (۱۳۹۵) و ریاحی و همکاران (۱۳۹۶) که با بررسی وضعیت اکوسیستم کارآفرینی در ایران سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی، زیرساخت‌های تجاری و حرفه‌ای، آموزش کارآفرینی، پشتوانه مالی و عملکرد نامطلوب دانشگاه‌ها در زمینه انتقال تحقیق و توسعه را از جمله مشکلات اکوسیستم کارآفرینی ایران شناسایی کرده‌اند و بر لزوم تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های جامع در این زمینه و توجه به رویکرد سیستمی تأکید دارند، همسو است. با توجه به شاخص‌های برآزش مدل طراحی شده برای نقش زیراکوسیستم‌های کارآفرینی روستایی، مدل مورد نظر از برآزش مناسب برخوردار است (جدول ۵).

جدول ۴. نقش زیرسیستم‌های مورد بررسی در ایجاد شرایط نامطلوب محیط کارآفرینی روستایی

معنی‌داری	ضریب تأثیر	زیرسیستم
۶/۱۳	۰/۵۳	پشتوانه مالی کارآفرینان
۶/۱۸۵	۰/۶۳	سیاست‌های دولت در زمینه کارآفرینی
۸/۲۶	۰/۷۵	برنامه‌های دولت در زمینه کارآفرینی
۶/۲۴	۰/۴۹	آموزش کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها
۶/۵۰	۰/۶۶	انتقال تحقیق و توسعه
۷/۳۶	۰/۹۱	زیرساخت‌های تجاری و قانونی
۵/۶۸	۰/۵۰	قوانین ورود (پویایی و آزادی بازار)
۴/۵۹	۰/۴۹	زیرساخت‌های فیزیکی
۵/۷۹	۰/۴۳	هنجارهای فرهنگی - اجتماعی

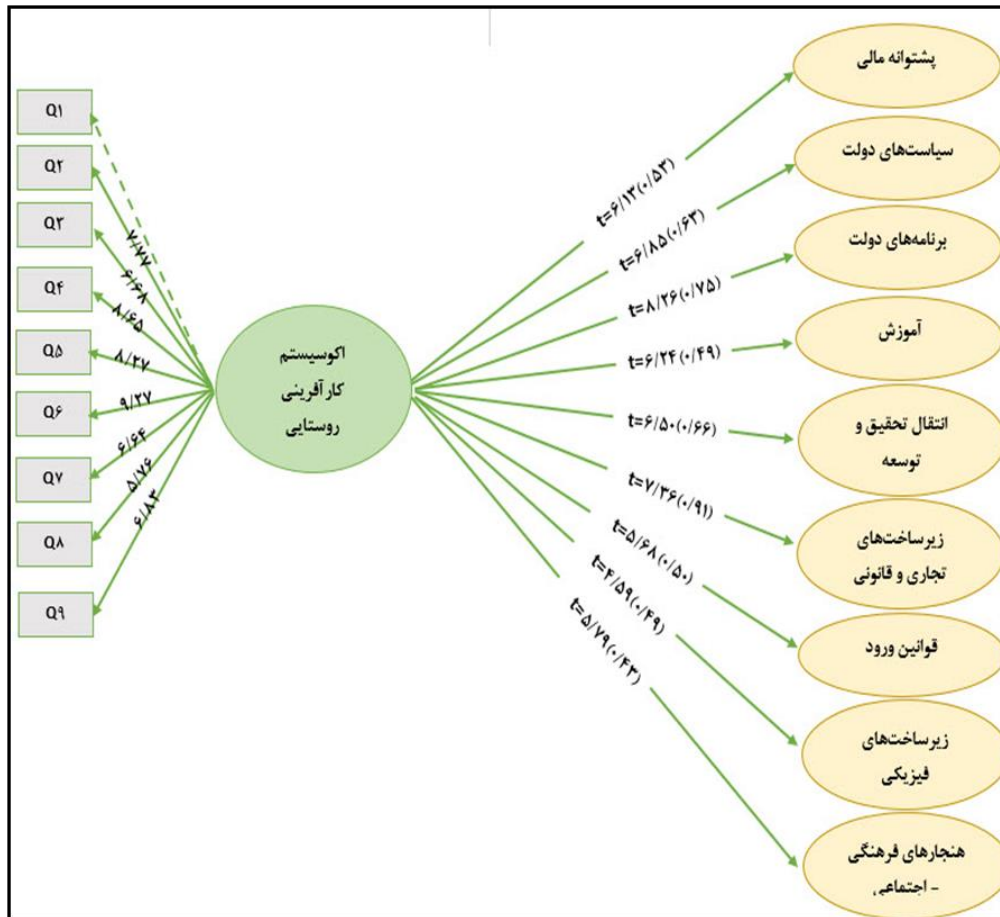
1- Bernardez & Mead

2- Zhao

3- Zambari Ahmad & Xavier

جدول ۵. شاخص‌های برازش مدل پژوهش

شاخص‌ها	میزان استاندارد	برآورد
ریشهٔ میانگین مربعات خطاهای تخمین ^۱	کمتر از ۱	۰/۰۶۸
برآزش تطبیق ^۲	حداقل ۰/۹	۰/۹۰
برآزندگی افزایشی ^۳	حداقل ۰/۹	۰/۹۳
برآزندگی هنجارشده ^۴	حداقل ۰/۹	۰/۹۱



شکل ۳. نقش زیرسیستم‌های اکوسیستم کارآفرینی روستایی در عملکرد نامطلوب آن در حالت معنی‌داری

نتیجه‌گیری

برای عملکرد مطلوب اکوسیستم کارآفرینی و بهره‌مندی از مزایای آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی، توجه به ابعاد گوناگون آن در ارتباط با یکدیگر لازم می‌نماید که پژوهش حاضر نیز این رویکرد را مد نظر داشته است. نتایج به دست آمده از بررسی اکوسیستم کارآفرینی روستایی در استان آذربایجان غربی عدم عملکرد مطلوب آن را نشان می‌دهد. این موضوع، با توجه به پیروی آن از الگوی ملی، در برخی موارد دامنهٔ بررسی دلایل آن را از سطح منطقه‌ای نیز فراتر می‌برد؛ چراکه با توجه به ماهیت کسب و کارهای روستایی و نهادهای فعال در این مناطق، ایجاد و توسعهٔ کارآفرینی که نتیجهٔ مستقیم عملکرد اکوسیستم کارآفرینی است به اقدامات و مداخلات دولتی وابستگی

1- RMSEA
 2- CFI
 3- IFI
 4- NFI

زیادی را نشان می‌دهد. در منطقه مورد مطالعه، این موضوع بیشترین اثر خود را در ضعف عملکرد زیراکوسیستم «زیرساخت‌های تجاری - قانونی» نشان می‌دهد و گویای این است که در مناطق روستایی مورد مطالعه، دسترسی روستاییان به امکانات مهارت‌آموزی و مشاوره به دلیل فعالیت محدود بخش دولتی و خصوصی در این زمینه با مشکلات زیادی روبه‌رو است. سایر زیراکوسیستم‌ها نیز وضعیت عملکردی مشابهی را دارند. باید توجه داشت که بررسی منفرد یک عامل به صورت مجزا، اشتباهی است که بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این حوزه با آن مواجه هستند؛ لذا تأثیر زیراکوسیستم یادشده بر عملکرد کل اکوسیستم کارآفرینی را باید در ارتباط با عملکرد سایر زیراکوسیستم‌ها بررسی کرد. برای این منظور، در این بخش برای ریشه‌یابی مسائل و ارائه راهکارهایی به منظور مهار آنها در ارتباط با زیراکوسیستم‌ها و عملکرد آنها، فعالیت این زیراکوسیستم‌ها در حوزه‌های زیرساختی، سیاسی - قانونی، اقتصادی و آموزشی - فرهنگی تشریح شده است.

برای مهار عدم عملکرد مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی باید در درجه اول، زیرساخت‌های فیزیکی و نرم ایجاد و تقویت شوند. این موضوع در کنار عوامل سیاسی - قانونی به شدت به برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی وابسته است. در زمینه سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی، ارائه زیرساخت‌های فیزیکی و نرم (مانند جاده‌ها و IT و...) در اولویت اول قرار دارند که با توجه به شرایط منطقه مورد مطالعه، این شاخص نسبت به سایر شاخص‌ها از مطلوبیت نسبی برخوردار است؛ اما لازم است توجه خاصی به ابعاد غیر فیزیکی شود؛ چراکه ماهیت کسب و کارهای مدرن به زیرساخت‌های نرم بیشتر از زیرساخت‌های فیزیکی وابسته است. در سطح دیگر، حوزه قانون گذاری قرار دارد که در این زمینه، توجه دولت به کاهش بروکراسی اداری و سهولت ارائه مجوز به کسب و کارهای روستایی مهم‌ترین عامل به شمار می‌رود. در کنار این عوامل، سیاست‌های قانونی در زمینه مسائل مالی، مانند حمایت‌ها و معافیت‌های مالیاتی قرار دارند که در بحث مربوط به حوزه اقتصادی به آن پرداخته می‌شود.

در حوزه اقتصادی، با توجه به ضعف مالی روستاییان، ایجاد و تقویت مؤسسات ارائه‌دهنده وام‌های کسب و کارهای روستایی، مؤسسات و بخش‌های حامی مالی کسب و کارهای روستایی در بدنه ارگان‌های دولتی، مانند بانک‌ها و ادارات دولتی ضروری می‌نماید؛ که این موضوع، علاوه بر تأمین مالی کسب و کارها و ترویج فرهنگ کارآفرینی در مناطق روستایی و ایجاد انگیزی لازم در آنها برای ورود به عرصه فعالیت‌های کارآفرینانه، دستاورد اقتصادی دیگر نیز دارد و آن امکان استفاده از سرمایه‌های خانوادگی (خانواده، دوستان، بستگان و...) در شروع کسب و کارهای روستایی از طریق ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاری کارآفرینانه است؛ همچنین در این زمینه، مشوق‌های قانونی مانند معافیت‌های مالیاتی از جمله موارد قانونی مؤثر در توسعه کارآفرینی هستند که در بسیاری از کشورها از مساعدت‌های کارآفرینانه دولت به شمار می‌رود.

در منطقه مورد مطالعه، ریشه بسیاری از مسائل و مشکلات کارآفرینی مانند عدم دسترسی به مشاوران و خدمات حرفه‌ای (مدیریت مالی، حسابداری و...) از طریق آشنایی با کانال‌ها و شبکه‌های کارآفرینان و متخصصان و سایر روش‌های مهارت‌آموزی (مجازی)، تأمین سرمایه مالی لازم (آموزش روش‌ها و مهارت‌های جلب سرمایه‌ها به کسب و کار و ایده‌های نو) و موفقیت مساعدت‌ها و برنامه‌های دولتی که بیشتر از عدم آگاهی کارآفرینانه جامعه سرچشمه می‌گیرند، مربوط به عملکرد نامطلوب زیراکوسیستم آموزش است. باید توجه نمود که آموزش کارآفرینی و انتقال تحقیق و توسعه که از وظایف مشترک دولت، دانشگاه و بخش خصوصی است، بیش از آنکه یک مشکل محلی باشد، مشکلی در سطح ملی است. در این زمینه که پیش‌شرطی برای عملکرد مطلوب زیراکوسیستم فرهنگی - اجتماعی نیز به شمار می‌رود، ضمن لزوم توجه دولت به اصلاح سیستم آموزشی کشور، می‌توان با ارائه برنامه‌های ترویجی کارآفرینی از طریق نهادهای فعال در مناطق روستایی مانند تعاونی‌ها و شرکت‌های روستایی اقدام نمود. از

سوی دیگر، با ایجاد و تقویت پارک علم و فناوری در سطح استان و دانشگاه ارومیه، می‌توان با تحقیق و توسعه و انتقال آن به مناطق روستایی و کسب و کارهای مربوطه اقدام کرد؛ همچنین با ایجاد مراکز شتاب‌دهنده کسب و کارها در دبیرستان‌ها و آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و یا ترویج استفاده از انکوباتورهای مجازی به‌ویژه در مناطق روستایی دارای دبیرستان و آموزشگاه، بخش عمده‌ای از مسائل مربوط به آموزش مهارت‌های کارآفرینی و انتقال دانش به روستاییان مرتفع می‌گردد. پیش‌شرط این موضوع نیز وجود سرفصل‌های آموزش کارآفرینی در نظام آموزشی کشور (آموزش اجباری)، است. در سطح منطقه‌ای نیز علاوه بر استفاده از نهادهای مردمی و خصوصی در امر آموزش (کارآفرینان محلی)، می‌توان با تدوین کتب درسی مخصوص به مناطق روستایی، برگزاری کلاس‌های آموزشی کارآفرینی، آموزش‌های مجازی از طریق رسانه‌های عمومی به‌ویژه شبکه‌های استانی که به زبان محلی هستند و تشکیل نهادهای فرهنگی با هدف توسعه فرهنگ کارآفرینانه در این زمینه اقدام کرد؛ هرچند حاصل فعالیت بازیگران اکوسیستم کارآفرینی در این حوزه بیشترین تأثیر خود را در فرهنگ جامعه از جمله اصلاح فرهنگ سنتی حاکم بر مناطق روستایی مانند تصور افراد جوان به‌خصوص فرزندان پسر به عنوان بخشی از اقتصاد خانواده، عدم استقبال از استقلال اقتصادی جوانان روستایی و ترس از شکست و در پی آن ترس از خلاقیت و نوآوری روستاییان و حمایت و تشویق فعالیت‌های کارآفرینانه روستایی نشان خواهد داد؛ اما دستاوردهایی نیز در حوزه‌های اقتصادی و قانونی دربر خواهد داشت که ایجاد و استفاده از مزایای شبکه‌ها و بخش خصوصی در زمینه اقتصادی و قانونی، مانند تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و آگاهی‌های حقوقی از جمله آنها به حساب می‌آیند.

عملکرد هریک از بازیگران اکوسیستم کارآفرینی در حوزه‌های یادشده، عملکرد مطلوب اکوسیستم کارآفرینی روستایی را از طریق پویایی هریک از زیراکوسیستم‌ها و عملکرد آنها در پی خواهد داشت. از آنجا که دولت، مهم‌ترین عنصر اکوسیستم کارآفرینی روستایی در منطقه مورد مطالعه شناسایی شده است و ابتکار عمل کارآفرینی روستایی در منطقه در دستان دولت است و تحقق کارآفرینی روستایی و پویایی اکوسیستم آن منوط به حضور و عملکرد فعال دولت در تمامی ابعاد آن است؛ لذا لازم است تا در اولین قدم، دولت با برنامه‌ها و سیاست‌های خود، راه را برای حضور و فعالیت سایر بازیگران فراهم نماید. این موضوع، حتی در کشورهای با اقتصاد توسعه‌یافته نیز در مراحل اولیه توسعه کارآفرینی از ضروریات شناخته شده است.

منابع

- آقاجانی، حسنعلی؛ خلیلی اسبویی، صابر (۱۳۹۱) ارائه مدلی مفهومی از شاخص‌های GEM در کارآفرینی، کنفرانس کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، دانشگاه مازندران، صص. ۲۰-۱.
- اسعدی، نرجس خاتون؛ حق‌پرست، فاطمه (۱۳۹۲) مطالعه تطبیقی آموزش‌های کارآفرینی در ایران و سایر کشورها و ارائه راهکارهای مؤثر آموزش کارآفرینی به زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ۱۶۲، صص. ۵۶-۴۴.
- الوانی، مهدی؛ مقیمی، سیدمحمد؛ آذر، عادل؛ رحمتی، محمدحسین (۱۳۹۰) خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش کارآفرینی ایران، ماهنامه کار و جامعه، ۱۴۰، صص. ۳۰-۴.
- تقدیسی، احمد؛ هاشمی، صدیقه؛ هاشمی، محمدمهدی (۱۳۹۴) تحلیل عوامل مؤثر در زمینه‌های توسعه کارآفرینی نواحی روستایی، جغرافیا و مطالعات محیطی، ۴ (۱۴)، صص. ۹۸-۸۳.
- داوری، علی؛ سفیدبری، لیلیا؛ باقرصاد، وجیهه (۱۳۹۶) عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس مدل آیزنبرگ، توسعه کارآفرینی، ۱۰ (۱)، صص. ۱۲۰-۱۰۰.

- دفتر دیدبان جهانی کارآفرینی (۱۳۹۳) ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی در ایران بر اساس مدل دیدبان جهانی کارآفرینی (نتایج برنامه ۲۰۱۴)، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- رضوانی، محمدرضا؛ نجارزاده، محمد (۱۳۸۷) بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی، توسعه کارآفرینی، ۱ (۲)، صص. ۱۸۲-۱۶۱.
- ریاحی، پریسا؛ امیری، معصومه؛ صادقی، سولماز؛ خدای، ملیحه (۱۳۹۶) بررسی وضعیت اکوسیستم کارآفرینی در ایران، مدیریت بازار کار ایران، ۱ (۱۲)، صص. ۸۵-۱۰۹.
- قمبرعلی، رضوان؛ آگهی، حسین؛ علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۳) راهبرد اکوسیستم کارآفرینی: پارادایم جدید توسعه کارآفرینی، نشریه کارآفرینی کشاورزی، ۱ (۳)، صص. ۳۸-۲۱.
- قنبری، رضوان؛ آگهی، حسین؛ علی بیگی، امیرحسین؛ زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۵) واکاوی محتوای سیاست‌ها در تطابق با ابعاد اکوسیستم کارآفرینی، توسعه کارآفرینی، ۹ (۱)، صص. ۵۸-۳۹.
- کردنائیچ، اسدالله؛ زالی، محمدرضا؛ بهامین، ماجد (۱۳۹۲) راهکارهای ساختاری توسعه کارآفرینی در ایران، نشریه توسعه کارآفرینی، ۶ (۲)، صص. ۱۱۴-۹۵.
- کریمی، سعید (۱۳۹۳) کارآفرینی روستایی: چالش‌ها و فرصت‌ها، کارآفرینی در کشاورزی، ۱ (۳)، صص. ۱۱۹-۱۰۱.
- ولانی، محمد؛ عبدالهی، عبدالله؛ منافی آذر، رضا؛ صفری، نوید (۱۳۹۴) تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار روستایی با تأکید بر کارآفرینی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت‌آباد شمالی-شهرستان میاندوآب)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۵ (۱۹)، صص. ۱۶۲-۱۴۹.
- Bernardez, M., Mead, M. (2009) The Power of Entrepreneurial Ecosystems: Extracting “Booms” from “Bust”, **Social and Organizational Performance Review: Concepts and Research**, 2 (2), pp. 12-45.
- Bosma, N., Acs, Z. J., Autio, E., Coduras, A., Levie, J. (2012) A Report on the Design, Data and Quality Control of the Global Entrepreneurship Monitor, **Global Entrepreneurship Monitor**, pp. 1-95.
- Entezari, Y. (2015) Building Knowledge-Based Entrepreneurship Ecosystems: Case of Iran. *Procedia, Social and Behavioral Sciences*, 195, pp. 1206-1215.
- Faggio, G., Silva, O. (2014) Self-Employment and Entrepreneurship in Urban and Rural Labour Markets, **Urban Economics**, 84, pp. 67-85.
- Fernández, M. T., Blanco Jiménez, F. J., Cuadrado Roura, J. R. (2015) Business Incubation: Innovative Services in an Entrepreneurship Ecosystem, **The Service Industries Journal**, 35 (14), pp. 783-800.
- Fuerlinger, G., Fandl, U., Funke, T. (2015) The Role of the State in the Entrepreneurship Ecosystem: Insights from Germany, **Triple Helix**, 2 (1), pp. 1-26.
- Heilig, K., Gerhard, M. (2002) European Rural Development, **International Institute for Applied Systems Analysis**, Luxemburg, Austria.
- Isenberg, D. (2010) How to Start an Entrepreneurial Revolution, **Harvard Business Review**, 88 (6), pp. 40-50.
- Isenberg, D. (2011) The Entrepreneurship Ecosystem Strategy as a New Paradigm for Economic Policy: Principles for Cultivating Entrepreneurship, **Institute of International European Affairs**, Dublin, Ireland.
- Mason, C., Brown, R. (2014, A) Entrepreneurial Ecosystems and Growth Oriented Entrepreneurship, **Final Report to OECD**, Paris. 30 (1), pp. 77-102.
- Mason, C., Brown, R. (2014, B) Entrepreneurial Ecosystems and Growth Oriented Entrepreneurship; **Background Paper Prepared for the Workshop Organised by the OECD LEED Programme and the Dutch Ministry of Economic Affairs on; The Hague, Netherlands**. pp. 1-29.

- Nadgrodkiewicz, A. (2013) Building Entrepreneurship Ecosystems. Economic Reform Features Services, **Center for International Private Enterprise**, pp. 18-21.
- Ng, R. K. W. (2015) An Empirical Analysis of the Singapore Entrepreneurship Ecosystem: A Case Study For BRIC Economies to Ponder. **In Entrepreneurial Ecosystem**, pp. 57-89.
- Regele, M. D., Neck, H. M. (2012) The Entrepreneurship Education Subecosystem in the United States: Opportunities to Increase Entrepreneurial Activity, **Business and Entrepreneurship**, 23 (2), pp. 25-47.
- Rubio-Bañón, A., Esteban-Lloret, N. (2016) Cultural Factors and Gender Role in Female Entrepreneurship, **Suma de Negocios**, 7 (15), pp. 9-17.
- Schillo, R. S., Persaud, A., Jin, M. (2016) Entrepreneurial Readiness in the Context of National Systems of Entrepreneurship, **Small Business Economics**, 46 (4), pp. 619-637.
- Suresh, J., Ramraj, R. (2012) Entrepreneurial Ecosystem: Case Study on the Influence of Environmental Factors on Entrepreneurial Success, **European Journal of Business and Management**, 4 (16), pp. 95-101.
- Zamberi Ahmad, S., Xavier, S. R. (2012) Entrepreneurial Environments and Growth: Evidence from Malaysia GEM data, **Chinese Entrepreneurship**, 4 (1), pp. 50-69.
- Zhao, X. (2011). The Causes and Countermeasures of Chinese Graduate Entrepreneurship Dilemma: Based on the Analysis of Entrepreneurship Cases and Entrepreneurial Climate, **Chinese Entrepreneurship**, 3 (3), pp. 215-227.

Archive of SID